

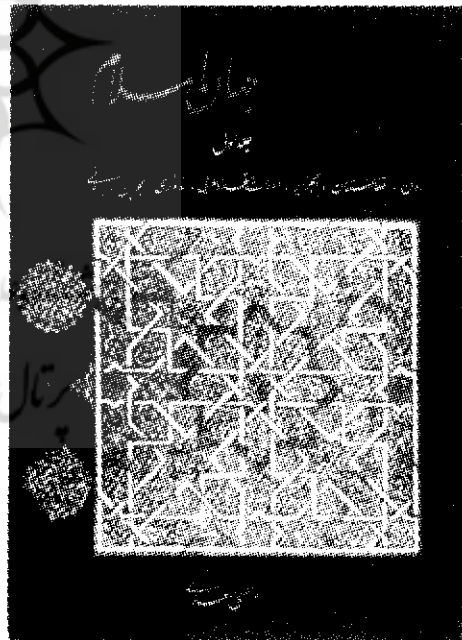
جهان اسلام. تألیف مرتضی اسعدی. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۶. هجده + ۵۴۶ ص. جلد اول: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی.

سیری در جهان اسلام

کامران فانی

شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمد مقدسی بیاری میان سالهای ۳۳۱ و ۳۳۴ هجری در بیت المقدس به دنیا آمد. از سوی مادر ایرانی بود. جد مادری اش از بیار قومس، بخش بیارجمند شهرستان شاهرود، به شام و از آنجا به فلسطین آمده بود. خود مقدسی ضمن بیان اوضاع جغرافیایی بیار می نویسد: «ریشه خویشاوندان مادری من از آنجا می باشد. هر قومسی را که در بیت المقدس ببینی، بدانکه از آنان است.» اینکه نویسندگان غرب و مستشرقان اروپایی نسبت او را «بشاری» نوشته اند نادرست است و تصحیف «بیاری» است. مقدسی بی گمان بزرگترین جغرافیدان جهان اسلام است.

علم جغرافیا و شناخت «مسالك و ممالك» در قرون نخستین اسلامی پایگاهی بلند داشت و سنتی ارجمند بود. این سنت را که بیشتر به دست ایرانیان- جیحانی، ابوزید بلخی، ابن خردادبه، اصطخری، ابن فقیه همدانی و دیگران- پایه گذاری شده بود، مقدسی به اوج خود رساند و حاصل سالها رنج سفر و گشت و گذار خود را در کشورهای اسلامی سرانجام به رشته تحریر کشید و در ۳۷۵ هجری کتاب گرانقدر احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم را تألیف کرد (متن عربی به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۷۷ و ۱۹۰۶؛ ترجمه فارسی از دکتر علیتقی منزوی، تهران، ۱۳۶۱). مقدسی پژوهشگری ژرف اندیش و تیزبین و نکته یاب بود. بر اساس مشاهدات و تجزیه و تحلیل‌های عالمانه چیز می نوشت. نوآور بود: «اندیشیدم دانشی را دنبال کنم که دیگران نکرده باشند، به هنری دست یازم که کسی، جز بطور نارسا، بدان دست نزده باشد و آن شناخت سرزمینهای مسلمانان است.» منابع شناخت او از سه جا بیرون می آمد: «نخست از آنها که دیده ام، دوم آنچه از دوستان شنیده ام، سوم آنچه در کتابهای پیشینیان و جز آن در این باره یافته ام.» سالها رنج سفر و غم غربت را بر خود هموار کرد و فقیه و صوفی و عابد و زاهد و تاجر و وراق و صحاف و مؤذن و مذكر و کاتب شد: «به گلدسته ها اذان گفتم، در مسجدها پیشنمازی کردم، با صوفیان آشنا، با خانقاهیان تریدها، با دریانوردان حلواها خوردم. چه شبها که از مسجدها رانده شدم و چه بیابانها که در نور دیدم و چه صحراها که در آن سرگردان گشتم. گهی برهیزکار شدم و گاه حرام عینی خوردم، گهی برده دار شدم و گاه زنبیل بر سر نهادم. در راه با فاسقان رفتم، کالا در بازارها فروختم، به زندان افتادم و به اتهام جاسوسی گرفتار آمدم. جنگ رومیان را در



واقع نخستین کوشش جدی در این راه است. اثری است خواندنی، پر اطلاع و روشمند که با دقت و صحت سیمای جهان اسلام را ترسیم می‌کند. در اینجا اجمالاً به معرفی این کتاب می‌پردازیم و به برخی کمبودها و اشتباهات آن اشاره می‌کنیم. کتاب جهان اسلام جلد اول از یک دوره هفت جلدی است که «در آن حتی المقدور اطلاعات جامعی درباره شئون مختلف زندگی کشورهای اسلامی ارائه خواهد گردید. انگیزه اصلی گردآوری و تدوین این مجموعه اساساً آن بوده است که به قدر امکان گوشه‌ای از جای خالی آثاری از این دست را در ادبیات تخصصی زبان فارسی پر کند و نیاز جامعه کتابخوان ایرانی را به شناخت هر چه دقیقتر و جامعتر کشورهای اسلامی که به برکت انقلاب اسلامی ایران در سالهای اخیر تشدید شده است بر آورد. این کار به هر حال نوعی دنباله‌گیری یک سنت ادبی پرسابقه، اما کمابیش منقطع و متوقف در ادبیات ایرانی و اسلامی است... در این مجموعه درباره قریب به چهل کشور مسلمان اطلاعات نسبتاً وسیع و حتی الامکان دقیقی در قالب یک الگوی متعارف امروزی ارائه شده است.» مؤلف سی و هفت کشور را که در این مجموعه خواهد آمد به ترتیب الفبایی ذکر کرده است: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، ایران، بحرین، برونی، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، تونس، جیبوتی، چاد، سنگال، سودان، سوریه، سومالی، صحرای غربی، عراق، عربستان سعودی، عمان و مسقط، قطر، کومورو، کویت، گامبیا، گینه، لبنان، لیبی، مالدیو، مالزی، مراکش، مصر، موریتانی، نیجر، یمن جنوبی و یمن شمالی.

نخستین مشکل تعیین ضابطه برای انتخاب کشورهای مسلمان است. مقصود از کشورهای اسلامی چیست و کدام کشور را می‌توان و باید اسلامی نامید؟ از نظر مؤلف «مقصود از کشورهای مسلمان در این مجموعه کشورهایی است که اکثر سکنه آنها (بیش از ۵۰ درصد) مسلمان باشند.» مؤلف ضوابط و معیارهای دیگر، از جمله ضابطه مسلمان بودن رئیس حکومت را که معیار عضویت در سازمان کشورهای اسلامی است، رد کرده است، چون «از یک سو ثباتی ندارد و از سوی دیگر سبب مسلمان تلقی شدن کشورهایی می‌شود که گاه حتی ده درصد کل جمعیت آنها هم مسلمان نیستند.» مثل اوگاندا در روزگار عیدی‌امین. ضابطه مؤلف معقولتر از ضابطه سازمان کشورهای اسلامی است. هر چند فراموش نکنیم که این سازمان در واقع سازمان «سران» کشورهاست و به نظر آنها مسلمان بودن «سر» ظاهراً از مسلمان بودن اکثر سکنه کشور مهمتر است که «الناس علی دین ملوکهم». مشکل این ضابطه به نظر من در مورد لبنان است که رئیس حکومتش همواره مسیحی بوده است، حال آنکه اکثر جمعیت آن

کشتیها و زدن ناقوس را در شبها دیدم... در مجلس داستان سرایان و اندرزگران اندر شدم، مرزها را گشتم، به شهرها درآمدم، از مذهبها جستجو کردم، هوارا آزمودم، آب را وزن کردم، رنج بردم، مال مصرف کردم، ذلت غربت را تحمل نمودم و مجاز و محال در کتاب نیاوردم و جز گفتار راستگویان یاد نکردم.» و چه شگفت آور بوده است جهان اسلام در روزگار او: «با بیابانها و دریاها و دریاچه‌ها و رودخانه‌هایش، با شهرها و شهرکها و منزلها و راههایش، و با داروها و معدنها و بارهای بازرگانی و اختلاف مردم شهرهایش، با لهجه‌ها و صداها و زبانها و رنگها و آیینها، و اندازه‌گیری و ترازوها و پولها و صرافیهای مردمانش، و خوراکی و آشامیدنی و میوه‌هایشان و بدیهایشان و واردات و صادراتشان و خرمی و خشکی سرزمینهایشان و هنرها و دانشهایشان...» یکبار مقدسی در ساحل عدن، شگفت‌زده از این سرزمینهای پهناور و دریا‌های خروشان به پیرمردی بازرگان برمی‌خورد. پیرمرد از او می‌پرسد اندیشناک چیست؟ و او می‌گوید: «مؤید باد شیخ! سرگردان این دریایم، با اختلافها که در آن هست. شیخ امروز از داناترین مردم بر آن است، زیرا پیشوای بازرگانان است و کشتیهایش همواره سراسر آن را می‌پیمایند، چه شود اگر لطف کند و آن را طوری برایم توصیف نماید که شک از دلم برداید. شیخ گفت بر کارشناس آمده‌ای! پس شن را با دست خود صاف کرد و دریا را بر آن نقش بست، نه طیلسانی بود، نه پرنده‌ای!».

اینکه در اینجا قدری به تفصیل و با یاد و دریغ از مقدسی و کتاب ارجمندش یاد کردم، برای تذکار حقیقتی است که کمتر به آن توجه می‌شود. راستی علم جغرافیا در روزگار ما بس مهجور و مظلوم است. این سنت شریف امروزه فراموش شده است. علم جغرافیا حتی در روزگار مقدسی - و به شهادت کتاب او - فقط منحصر به جغرافیای طبیعی نبوده است و موضوعهای اجتماعی و اقتصادی و حتی دینی و مردمشناسی را هم در بر داشته است. شناخت تمامی جنبه‌ها و شئون زندگی انسانها بوده است. افسوس که ما حتی جغرافیای کشور خودمان را هم نمی‌دانیم، چه رسد به جغرافیای کشورهای دیگر. هر کوششی که در راه این شناخت انجام پذیرد، مشکور است. برای شناخت کشورهای اسلامی در روزگار ما، کتاب جهان اسلام تألیف مرتضی اسعدی در

ولی نه تنها معیار آن اکثریت سکنه مسلمان است) تکیه کرد و کشورهای نیجریه، تانزانیا، سیرالئون، و ولتای علیا را نیز در این مجموعه آورد. نکته آخر اینکه جمهوریهای مسلمان شوروی را نیز می توان به استقلال در جای الفبایی خود در این مجموعه گنجانند. جمهوریهای آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان طبق قانون اساسی شوروی بظاهر همه مستقلند و رئیس جمهور و مجلس و هیأت وزیران و غیره دارند، یعنی جز استقلال واقعی آنچه را لازمه يك کشور است دارا هستند. حال یکبار هم شده می توان این حرف را جدی گرفت و دست کم روی کاغذ به آن عمل کرد. البته مؤلف این مسأله اساسی را ملحوظ داشته است که «مسلمانان به عنوان يك ملت یا بخشی از يك ملت در چارچوب جغرافیایی و سرزمینی خاصی که حکومتی بالفعل و مستقل بر آن حاکم باشد، به حساب بیایند. لذا، فی المثل مسلمانان فلسطینی را در این زمره به حساب نیاورده ایم. این چنین مواردی را همراه با اوضاع اقلیتهای مسلمان کشورهای غیرمسلمان و نیز مسلمانان برخی مستملکات اروپایی، در يك مجلد علی حده در پایان این مجموعه بررسی خواهیم کرد.»

اطلاعات ارائه شده در کتاب جهان اسلام زیر هر کشور طی ۹ فصل به این ترتیب ارائه شده است: (۱) جغرافیای طبیعی و اجتماعی (شامل وسعت و موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، جمعیت، ترکیب قومی و نژادی، زبان، دین و مذهب)؛ (۲) تاریخ از قدیمترین ایام تا زمان حاضر که حدود يك سوم مطالب مربوط به هر کشور را دربر می گیرد)؛ (۳) قانون اساسی و نوع حکومت (از جمله روابط بین الملل، بویژه رابطه با ایران پس از انقلاب اسلامی)؛ (۴) اقتصاد؛ (۵) دفاع و وضع نیروهای مسلح؛ (۶) آموزش (از سالهای قبل از ابتدایی تا دانشگاه و نیز میزان بی سواد و سهم کشور در تحقیقات و پژوهشهای علمی جهان)؛ (۷) رسانه ها (مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما، خبرگزاریها و کتاب و کتابخانه)؛ (۸) نظام حقوقی و نهادهای کیفری؛ (۹) امور اجتماعی (بهداشت، تغذیه، رفاه و غیره). و نیز در آغاز این فصلها اطلاعات شناسنامه ای هر کدام از کشورها تحت عنوان «...در يك نگاه» و در انتهای آنها گزیده ای از وقایع تاریخ هر کشور تحت عنوان «سالشمار گزیده» آمده است و در مجموع اطلاعات دقیق و جامع و مفیدی که از صدها کتاب و منبع عمومی و تخصصی گردآوری و تلفیق شده بدست می دهد، اطلاعاتی که در هیچ منبع و مأخذ دیگری به زبان فارسی (و حتی یکجا به زبانهای دیگر) وجود ندارد.

ذکر خلاصه ای از مطالب کتاب جهان اسلام امکان پذیر نیست. مؤلف با دقت نظر و قلمی رسا و روشن سیمایی از هفت کشور اسلامی ترسیم کرده و تاریخ پرفراز و نشیب آنها را از

مسلمانند. نمی دانم لبنان در سازمان کشورهای اسلامی شرکت می کند یا نه و اگر می کند با چه ضابطه ای؟ ظاهراً با ضابطه عرب بودن (هر چند عرب مسیحی) حق شرکت در سازمان را دارد. ولی ضابطه مؤلف نیز (یعنی ضابطه مسلمان بودن اکثریت سکنه کشور) مشکلات خاص خود دارد. آمار، بویژه آمار مربوط به اعتقادات دینی، در بسیاری از این کشورها بخصوص کشورهای افریقایی دقیق و جامع نیست و مهمتر از آن تعبیری که از این آمارها می شود و نتایجی که از آن گرفته می شود متفاوت است. در کشورهای افریقایی در کنار اسلام و مسیحیت، ادیان بومی و سنتی مختلفی وجود دارند که مشکل برانگیزند و پیروان آنها امروزه بسرعت بر اثر نوع یا شدت تبلیغات و عوامل دیگر به اسلام یا مسیحیت می گردند. مثلاً بورکینافاسو (ولتای علیا) که مؤلف آن را جزو کشورهای اسلامی نیاورده ۴۴ درصد ادیان سنتی، ۴۳ درصد مسلمان و ۱۳ درصد مسیحی دارد. آیا این کشور را نباید مسلمان خواند و اصولاً به این آمار می توان اطمینان داشت؟ کشور چاد که مؤلف آن را جزء کشورهای اسلامی آورده ۴۴ درصد مسلمان دارد و بقیه مسیحی یا پیرو ادیان بومی و سنتی اند. مشکل نیجریه (که شرکتش در کنفرانس اسلامی ۱۹۸۶ کویت بحرانی در کشور به وجود آورد) و تانزانیا و سیرالئون هم وجود دارد که بنابر آمارهای مختلف و تعبیر و تفسیری که از این آمارها می شود کشور اسلامی یا غیر اسلامی خوانده می شوند. مؤلف آلبانی را «علی رغم آنکه حدود ۷۰ درصد جمعیت آن مسلمان است، به لحاظ استقرار دیرینه نظام کمونیستی در آن و عدم اشتهاش به يك کشور مسلمان» از مقله کشورهای اسلامی بشمار نیاورده است. یعنی برخلاف معیار و ضابطه خود، حکومت و هیأت حاکمه کشور را مبنای اسلامی نبودن کشور قرار داده است. البته این نکته را بیفزاییم که بنابر آمار کتاب سال دائرة المعارف بریتانیکا (۱۹۸۷) در آلبانی ۶۲۰۰۰۰ مسلمان، ۱۶۰۰۰۰ مسیحی، ۷۵۰۰۰۰ ملحد و ۱۶۷۰۰۰۰ غیردینی (ظاهراً معتقد به خدا ولی غیرمشرع و نامعتقد به دینی خاص) وجود داشته، هر چند که به آمارهای کشورهای کمونیستی بخصوص در مورد اعتقادات دینی اصلاً نمی شود اعتماد کرد. باری در انتخاب مؤلف گاه ناهماهنگی وجود دارد و به نظر من بهتر است به چند معیار و ضابطه (که اهم

گذشته‌های دور درخشان تا دوره‌های رکود و فساد و آنگاه احیا و رستاخیز کنونی توصیف نموده و زندگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مردمان این سرزمینها را باز نموده است. از هر گونه بیان ارزشگذارانه در بررسی اوضاع و احوال کشورها، بخصوص در جنبه‌های سیاسی آن، پرهیز کرده است و تا حد امکان بی طرفی و بی نظری را - که از مختصات مهم هر کتاب مرجعی است - مرعی داشته است. در اینجا شایسته است به تصاویر کتاب نیز اشاره‌ای کنیم که با ذوق و دقت تهیه شده است و رساتر از کلمات حال و هوای زندگی در این سرزمینهای دور و نزدیک را باز می‌نماید. تصویر آن پیرمرد غمزده اردنی که به دور دست خیره شده و نمی‌دانیم (و نمی‌دانند؟) که در غم دیروز یا اندیشه فرداست، گویی سراسر تاریخ اردن و زندگی دشوار در این سرزمین را منعکس می‌کند و یا تصویر آن چهار کودک برونیایی که کیفی به اندازه قدشان به پشت انداخته‌اند و راهی مدرسه هستند، سخن از آینده‌ای روشن می‌گوید.

کتاب جهان اسلام کتابی کم غلط است، چه غلطهای مطبوعه‌ای و چه غلطهای محتوایی. در اینجا به چند اشتباه جزئی اشاره می‌کنیم: در صفحه اول، ۱۹۲۵ و ۱۳۰۴ اشتباه و ۱۹۵۲ و ۱۳۳۱ درست است، ضمناً در همین صفحه نخست وزیر اردن مضر بدران آمده، حال آنکه از ۱۳۶۵ زیدالرفاعی نخست وزیر اردن بوده است. در صفحه ۹ در روزها از اعقاب مسیحیان صلیبی خواننده شده‌اند که بسیار بعید می‌نماید. در صفحه ۶۵ در جدول مربوط به افغانستان در مقابل مذهب آمده است: سنی، حنفی، باید سنی حنفی، و شیعه می‌آمد. در صفحه ۶۷ خیبر در مرز پاکستان و هند آمده، مرز پاکستان و افغانستان درست است. در صفحه ۷۳ آمده: «نام کنونی قندهار نیز از نام اسکندر اخذ شده است.» نام قندهار در الواح تخت جمشید به صورت Kandarash آمده و ربطی به اسکندر ندارد. در صفحه ۷۴ تاتارهای سفید آمده که صحیح هونهای سفید است. در صفحه ۲۷۷ روز معراج آمده که ظاهراً باید شب معراج باشد. در صفحه ۴۰۴ شرقی و غربی جایشان عوض شده است. کمبودها و نواقص کتاب جهان اسلام را از جهات مختلف می‌توان بررسی کرد. طبیعی است هیچ کتابی کامل و بی نقص نیست، بخصوص کتابهایی که راهگشا و آغازگرند و جنبه

دائرةالمعارفی دارند ناچار کمبودها و نواقصی خواهند داشت که باید به مرور در رفع آنها کوشید. در اینجا اجمالاً به برخی نارساییهای این کتاب اشاره می‌کنیم تا در جلدهای دیگر جبران شود. نبودن يك نقشه يك جا از تمام کشورهای اسلامی در آغاز کتاب تا خواننده از کل جهان اسلام در يك نظر تصویری کلی داشته باشد. ناقص بودن نقشه‌های هفت کشوری که در جلد اول آمده‌اند، بویژه نقشه برونی که اصلاً نقشه برونی نیست و نقشه بورتنو است و برونی فقط به صورت يك لکه سیاه در گوشه این نقشه جا گرفته است. نبودن بخش یا بخشهایی تحت عنوان ادبیات، فعالیت‌های فرهنگی، نویسندگان مهم (بویژه معاصر)، شخصیت‌های فرهنگی و غیره. دائرةالمعارف بریتانیکا اخیراً در چاپ جدیدش به این مسأله که در چاپهای قبلی نیامده بود، توجه خاص کرده است. اصولاً خواننده که اینهمه اطلاعات فی‌المثل راجع به معادن و خشکبار يك کشور می‌خواند و احیاناً ملول می‌شود، حق دارد گله کند چرا راجع به شاعران و نویسندگان و هنرمندان این کشور هیچ سخنی نرفته است. و سرانجام قدیمی بودن برخی اطلاعات آماری بویژه راجع به نفت که بیشتر مربوط به سالهای ۷۰ است و حال آنکه بازار نفت آنچنان دگرگونی سریعی یافته و می‌یابد که حتماً باید جدیدترین آمار داده شود. او یک هر ماه آمار مربوط به نفت را منتشر می‌کند و بجاست مؤلف از این آمارها که در ایران هم بدست می‌آید، استفاده کند.

کتاب جهان اسلام بی شک اثری ارزنده و ماندنی است، نهایت اینکه چنین کتابهایی باید دو مسأله را در نظر بگیرند: یکی تکمیل هر چه سریعتر مجموعه و دیگر روزآمد کردن (یا تجدید نظر در مطالب) آن. جهان اسلام به گفته مؤلف در ۷ مجلد خواهد بود، اینک از تاریخ امضای مقدمه جلد اول حدود ۲ سال می‌گذرد و هنوز جلد دوم منتشر نشده است، ناچار با چنین آهنگی تکمیل این مجموعه ۱۵ سال طول می‌کشد و معلوم نیست فی‌المثل کشور یمن چه گناهی کرده که مطالب مربوط به آن ۱۵ سال دیگر باید به اطلاع خواننده مشتاق فارسی زبان برسد. برنامه‌ریزی در تألیف و چاپ و نشر اینگونه کتب باید به نحوی باشد که هر چه زودتر و حداکثر در فاصله چندسال کار تکمیل مجموعه به سامان برسد. بخش زندگینامه آخر کتاب که در آن شرح مختصری از زندگی برجسته‌ترین رجال سیاسی و تاریخی کشورهای مورد نظر آمده است و فهرست راهنمای کتاب که به تفصیل و دقت کم نظیری تهیه شده و نیز چاپ کتاب که به صورت دوستونی در نهایت نفاست انجام گرفته بر ارزش کتاب جهان اسلام می‌افزاید. سعی مؤلف و ناشر مشکور و مأجور باد.